

نقد و بررسی کتاب

Raymond C. Taras - Rajat Ganguly; *Understanding Ethnic Conflict: The International Dimension*, New York: Longman, 2002, 317 pp.

درک بحران قومی: بُعد بین‌المللی، ریموند سی. تاراس و راجت گانگولی، لانگ‌من، ۲۰۰۲، ۳۱۷ صفحه.

ملی‌گرایی، قومیت و مذهب که از جمله قوی‌ترین نیروهای سیاسی جهان محسوب می‌شوند، سرنوشت ثبات داخلی را در هر کشوری رقم زده و تعیین‌کننده حالت جنگ یا صلح در هر منطقه‌ای می‌باشند. برخی از محققین بر این نظرند که جنگ میان مناطق، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ممکن است بر اثر تفاوت‌های قومی و با مذهبی روی دهد.

برای بسیاری از آنانی که دوره‌ای از صلح و ثبات جهانی را در پایان جنگ سرد انتظار داشتند، بازگشت به بحث چشم‌اندازهایی به سوی ثبات و یا عدم ثبات، جنگ یا صلح و برخورد فرهنگ‌ها مایوس‌کننده است.

ملی‌گرایی قوی‌ترین ایده سیاسی از قرن نوزدهم و بیستم تا به امروز بوده است. این اندیشه در اواخر قرن هیجدهم در اروپا به منصفه ظهور رسید و در اوایل قرن نوزدهم به آمریکای لاتین تسری یافت، سپس به عنوان یک ایده اساسی به جای جنبش‌های ضداستعماری و ضدکمونیستی در قرن بیستم مطرح گردید.

اثرات منفی ملی‌گرایی بر همیاری سازنده آن سایه افکننده است. بسیاری از

بدترین جنایات علیه بشریت به نام ملی‌گرایی صورت گرفته است. در قرن گذشته، خوف از نازیسم و فاشیسم که هر دو ایدئولوژی کاملاً استثنایی بودند، برحافظه بشریت نقش پایداری برجای گذاشت.

آثار مثبت ملی‌گرایی متضمن احساس هویت در افراد برای سر و کار داشتن با یک جهان آشفته می‌باشد. جنبش‌های طالب خودرایی ملی طی صدسال گذشته مشروعیت گسترده‌ای را به دست آوردند و بسیاری از کشورها براساس اصل حق انتخاب به وجود آمدند. روند پایان امپراتوری‌های کمونیستی و استعماری با ظهور ملی‌گرایی، شتاب گرفت.

در ادامه بررسی مقوله فوق، نویسندگان این کتاب تأکید می‌نمایند که با این حال، مطالعه ملی‌گرایی و ستیز قومی تاکنون چندان اهمیتی نداشته است. تعداد کتابهای منتشره پیرامون ملی‌گرایی طی سالهای اخیر نشانگر اهمیت موضوع برای متخصصین و دانشجویان می‌باشد. از آنجایی که به عوامل داخلی دخیل در کشمکش‌های قومی بیش از جنبه‌های بین‌المللی آن توجه نشان داده شده، لذا آنها به زعم خود در صدد برقراری نوعی تعادل برآمده‌اند.

در این کتاب چهار پرسش اساسی درباره ملی‌گرایی و ستیز قومی مطرح و پاسخهای لازم به آنها داده شده است: چرا نزاع قومی روی می‌دهد؟ نظام بین‌المللی - اعم از مجموعه کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و یا تک‌تک کشورها - به کشمکش قومی چگونه واکنش نشان می‌دهد؟ چرا بعضی از اختلافات قومی جنبه بین‌المللی پیدا می‌کنند، در حالی که بقیه چنین نیستند؟ برای حل این اختلافات چه می‌توان کرد، طرفهای خارجی باید مداخله کرده یا از آن خودداری نمایند؟

مطالب این کتاب در دو بخش با ده فصل تنظیم گردیده است. بخش نخست ابزارهای ادراکی برای فهم و درک موضوع ملی‌گرایی و ستیز قومی را ارائه می‌دهد و بخش دوم با به کارگیری این ابزار، مناقشات قومی اخیر را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

در فصل نخست گفته می‌شود که نزاع قومی چیست، ریشه‌های آن کدامند و چه

تفاوت‌هایی با نزاع‌های نوع دیگر دارد. همچنین، در این فصل علل ظهور دوباره آن به صورت یک پدیده سیاسی جهان شمول از دهه ۱۹۹۰ به بعد مورد کنکاش قرار گرفته است.

فصل دوم ارتباط میان کشمکش قومی و روابط بین‌الملل را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. در این فصل با توصیف مفاد اصولی اختلاف قومی نشان داده می‌شود که جامعه بین‌المللی چگونه با توسل به دکترین‌های حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی کشورها از شناسایی ادعاهای تجزیه طلبانه خودداری می‌ورزد. با این وجود، در این فصل زمینه‌های اخلاقی برای مشروع جلوه ساختن حق گروهی برای جدانشدن از یک کشور و تشکیل یک واحد سیاسی دیگر مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

در فصل سوم به عوامل زیادی که به بین‌المللی شدن ستیز قومی می‌تواند منجر گردد، اشاره می‌شود. این عوامل حمایت از وابستگان قومی در سایر کشورها تا تأمین مالی عملیات نظامی از طریق قاچاق مواد مخدر را دربر می‌گیرد.

فصل چهارم ضمن پرداختن به این مسأله که نزاع قومی چگونه به وسیله مساعی طرف ثالث بین‌المللی می‌تواند حل شود، موجبات و نتایج دخالت خارجی در ستیزهای قومی توسط کشورهای دیگر و یا سازمانهای بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در بخش دوم کتاب، با انتخاب نمونه‌هایی از مناقشات قومی؛ چگونگی پیدایش آنها، واکنش نظام بین‌الملل در این خصوص، جنبه بین‌المللی به خود گرفتن و یا عدم وجود چنین حالتی در این مناقشات و سرانجام، دلایل مداخله و یا عدم دخالت طرفهای خارجی در آنها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. قیام چچنی‌ها علیه روسیه، جنبش کبک در کانادا و جنبش تامیل در سریلانکا به عنوان سه نمونه از چنین مواردی که به جدایی منجر نگردیده و جدایی اریتره از اتیوپی و تقسیم یوگسلاوی سابق به پنج کشور که از هم پانسی اتیوپی و یوگسلاوی را در پی داشته، طی فصول این بخش مورد تشریح قرار گرفته است.

از پنج نمونه ذکر شده، در سه مورد (شوروی سابق در اتیوپی، هند در سریلانکا و غرب در

یوگسلاوی) دخالت نظامی طرف ثالث وجود داشته، در حالی که در دو مورد دیگر چنین نبوده است.

از دیدگاه مؤلفین، موارد بررسی شده در این بخش به دلیل اهمیت داشتن، آنچه که از آنها می‌توان آموخت و به‌عنوان سبب‌هایی از نقاط مختلف جهان (مرز اروپا - آسیا، آمریکای شمالی، آسیا، آفریقا و اروپا) انتخاب شده‌اند. از سوی دیگر، نویسندگان کتاب با اذعان به وجود ستیزهای قومی مهم دیگری نظیر تیمور شرقی، کشمیر، کردستان و تبت و تمایلات گریز از مرکز در دموکراسی‌هایی مانند فرانسه، اسپانیا و انگلستان ابراز امیدواری نموده‌اند که موارد بیان شده محرکی باشد تا خوانندگان کتاب در خصوص سایر تحولات قومی که در جهان معاصر روی می‌دهد، آگاهی‌های بیشتری به دست آورند.

یکی از مؤلفین این اثر، ریموند تاراس، استاد علوم سیاسی دانشگاه تولان^۱ در نئواورلئان می‌باشد. وی در دانشگاه‌های مختلف کانادا، دانمارک، انگلستان و آمریکا فعالیت داشته و عضو مؤسسه هوور^۲ دانشگاه استنفورد و محقق مطالعات روس‌شناسی مرکز دیوس دانشگاه هاروارد بوده است. نامبرده نویسنده یا ویراستار کتابهایی پیرامون روسیه و اروپایی شرقی می‌باشد.

مؤلف دیگر کتاب به نام راجات گانگالی^۳ مدرس بخش مطالعات توسعه دانشگاه انجلیا^۴ در نورویچ انگلستان می‌باشد. وی علاوه بر تعدادی از دانشگاه‌های آمریکا، در دانشگاه ویکتوریای ولینگتن در نیوزلند نیز فعالیت داشته است. قومیت و ملت‌سازی در آسیای جنوبی و درگیری قومی و جدایی‌طلبی در آسیا: علل، محرک‌ها، راه‌حل‌ها از جمله آخرین آثار نامبرده به‌شمار می‌روند.

سعید نقی‌زاده - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز

1. Tulane

2. Hoover

3. Rajat Ganguly

4. Anglia